

مبارزه اقتصادی کارگران ایران

بهرام رحمانی

تورم و گرانی موقعیت اقتصادی کارگران و خانواده آن‌ها را به حد فلاکت بار و غیرقابل تحملی رسانده است. با این وجود حتی دستمزد ناچیز کارگران نیز به موقع پرداخت نمی‌شود.

اگر سطح دستمزدها متناسب با تورم واقعی و هزینه زیست و زندگی مزدبگیران باشد و زندگی آن‌ها را تامین کند، قطعاً آرامش و نشاط نسبی بر زندگی حاکم می‌شود، در غیر این صورت، همه مزدبگیران و خانواده‌هایشان در معرض کشمکش‌ها و نگرانی‌های دایمی قرار می‌گیرند. فرزندان آن‌ها از امکانات تحصیلی و تفریحی باز می‌مانند و دچار انواع و اقسام ناراحتی‌های روحی و روانی و آسیب‌های اجتماعی می‌گردند. هم‌اکنون دستمزدها در ایران، به حدی پایین است که کارگران و اقشار محروم به سختی نیازهای اولیه زندگی خود را تامین می‌کنند.

متأسفانه مبارزات تاکنونی مزدبگیران برای افزایش دستمزدها و دیگر مطالباتشان نه تنها به ثمر نرسیده است، بلکه حتی صدها هزار کارگر نیز نتوانسته‌اند دستمزدهای ناچیز خود را دریافت کنند. کارگران میلیاردها تومان از کارفرمایان و رژیم طلب‌کار هستند. علاوه بر این، کارخانه‌ها به دلیل فرسودگی دستگاه‌ها و ماشین‌آلات و ضعف مدیریت و غیره یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند و کارگران نیز دسته‌دسته به میان میلیون‌ها کارگر بیکار پرتاب می‌گردند. این وضعیت دلخراش و غیرانسانی سبب شده است که حدود دو سه میلیون انسان که اکثریت آن‌ها جوانان هستند به اعتیاد کشیده شوند و حدود ۱۲ میلیون نفر از مردم ایران، به طور شبانه‌روز با این بیماری هولناک دست به گریبان باشند. میلیون‌ها انسان به دلیل فقر و نداری دست به تن‌فروشی می‌زنند. حتی انسان‌ها برای زنده ماندن ارگان‌های بدنشان را می‌فروشند. نهایت امر بنا به آمارهای رسمی بیش از ۱۲ میلیون نفر در ایران هیچ‌گونه درآمدی ندارند.

از جوانب مختلفی می‌توان به تحلیل مبارزات اقتصادی و اجتماعی کارگران در شرایط حاضر پرداخت، اما مهم‌ترین دلیل عدم موفقیت کارگران در گرفتن دستمزدهای معوقه و تحمیل دیگر مطالباتشان به کارفرمایان و رژیم، عدم وجود تشکلهای مستقل ضدسرمایه‌داری و رادیکال کارگران و سراسری کردن مبارزات موجود و حمایت و پشتیبانی کارگران صنایع بزرگ از مبارزات اقتصادی و اجتماعی صنایع کوچک است.

رژیم جمهوری اسلامی، عامل اصلی همه این دردها و رنج‌ها و مشکلات و معضلات ناشی از فقر و فلاکت اقتصادی و اختناق سیاسی و اجتماعی و سرکوب و کشتار است.

برای نمونه کارگران معدن «همکار»، در استان کرمان ۴ ماه، کارگران شرکت «ایران کنف» ۱۵ ماه، کارگران شرکت «کشت و صنعت مغان» واقع در استان اردبیل بیش از ۴ ماه، کارگران شرکت ریسندگی «جهان کوثر» وابسته به وزارت جهاد در شهرستان شوش دانیال ۶ ماه، کارگران شرکت «ورساب» ۵ ماه، کارخانه «ذوب رکود» خراسان ۳ ماه، کارخانه «چینی مهدی» ۴ ماه، و... از جمله کارخانه‌هایی است که دستمزد کارگران آن به تعویق افتاده و در ماه گذشته در رسانه‌ها انعکاس یافته است.

لازم به تاکید است که بیش از هشتاد درصد اقتصاد ایران، دولتی است. به همین دلیل این رژیم، جدا از این که حامی سرمایه است، در عین حال بزرگترین کارفرما نیز محسوب می‌شود و در استثمار وحشیانه کارگران نقش و نفع مستقیم دارد.

همچنین ایران، یکی از کشورهای ثروتمند است. این کشور، دومین کشور تولیدکننده گاز و چهارمین کشور فروشنده نفت در جهان است و حاکمین چین کشوری که منابع طبیعی فراوانی در دست دارند دستمزد بخور و نمیر کارگران را پرداخت نمی‌کنند. احتمالاً یکی از اهداف کارفرمایان و رژیم از به تعویق انداختن مداوم دستمزد کارگران، این است که از یک سو، سود بیش‌تری به جیب بزنند و از سوی دیگر، کارگران را آن‌چنان در فقر و فلاکت گرفتار سازند که وقت و فرصت فکر کردن و پرداختن به مسایل سیاسی و اجتماعی را نداشته باشند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها در ردیف بزرگ‌ترین ثروتمندترین جهان قرار دارند و مانند همه دیکتاتورها، تمام هم و غم‌شان پر کردن جیب‌های خود و نزدیکانشان است، بلکه برای این که حاکمیت خونین خود را سر پا نگاه دارند، بودجه‌های کلانی به ارگان‌های ارتجاعی مذهبی و ارگان‌های سرکوب و تولید سلاح‌های کشتار جمعی اختصاص می‌دهند.

برای مثال، در بودجه سال آینده هنوز هیچ بحثی درباره دستمزدهای مزدبگیران و اختصاص بودجه برای اشتغال و مدرنیزه کردن کارخانجات خبری نیست، در حالی که اختصاص بودجه‌ها کلان به برخی از ارگان‌ها سرکوب در رسانه‌ها انعکاس یافته است. حتی در مباحث لایحه بودجه سال آینده بودجه در مجلس ارتجاعی جمهوری اسلامی، برخی از نهادهای ظاهراً «غیردولتی» و همچنین «سازمان ملی جوانان» و «تشکل‌های زنان» را کم شده و به ارگان‌های سرکوبگر اضافه شده است.

بنا به گزارش روزنامه‌های شرق و ایران، کمیسیون فرهنگی مجلس در گزارش نهایی خود درباره لایحه بودجه سال آینده ۸ میلیارد تومان از بودجه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را به حوزه علمیه خواهران اختصاص داد. این کمیسیون همچنین در گزارش خود به کمیسیون تلفیق بررسی لایحه بودجه خواستار افزایش یک هزار و ۴۷۱ میلیارد ریال به بودجه حوزه علمیه قم، دفتر

تبلیغات اسلامی، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و صدا و سیما شده است... علاوه بر این، کمیسیون فرهنگی مجلس، ۸۹ میلیارد ریال از ۱۵ طرح مربوط به اعتبارات تشکل‌های غیردولتی، سازمان ملی جوانان و تشکل‌های زنان را کسر و به دستگاه‌های سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه خواهران، تشکل‌های دینی زنان، کانون بسیج جوانان و مرکز خدمات حوزه علمیه افزوده است.

همچنین کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز در گزارش خود به کمیسیون تلفیق پیشنهاد افزایش پنج میلیارد تومان بودجه دفاتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها را ارائه کرده است... براساس تصمیم کمیسیون تلفیق بودجه مجلس هفتم، یک میلیارد و دویست میلیون تومان آن به توسعه حوزه علمیه زنان، ۲۵۰ میلیون تومان آن به تقویت فعالیت‌های دینی زنان... واگذار شده است.

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، بعد از ۲۶ سال حاکمیت خونین و وحشیانه، اکثریت جامعه ایران را در معرض فقر و فلاکت و سرکوب و آسیب‌های اجتماعی و مشقات فراوانی قرار داده است. تحمل این وضعیت و ادامه حاکمیت غیرانسانی جمهوری اسلامی، قربانیان بیش‌تر از این خواهد گرفت و روزبه‌روز نیز وضع بدتر خواهد شد. تنها راه برون رفت از این وضعیت مبارزه برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای انسانی آزاد و برابر و انسانی است.

در چنین شرایطی، قطعاً کارگران هیچ راهی برای گرفتن حق و حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود، به جز متشکل و متحد شدن و روی آوردن به مبارزه طبقاتی پیگیر علیه تمامی ستم‌ها و وحشی‌گری‌های سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه ندارند. همچنین کارگران نباید بیش از این اجازه بدهند که شورای عالی کار، به نمایندگی از طرف کارگران با نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان رژیم، بر سر میز مذاکره بنشینند و بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران سطح دستمزدها را تعیین کنند. چرا که شورای عالی کار، یک ارگان دولتی است و قطعاً منافع و مصالح کارگران را نمایندگی نمی‌کند، بلکه عملاً در این سال‌ها همواره در کنار منافع حاکمیت بوده است.

طبیعی است که کارگران مجامع عمومی خود را برگزار کنند؛ در آن مجامع، نمایندگان خود را تعیین نمایند و هنگامی که این نمایندگان با کارفرمایان و رژیم بر سر میز مذاکره می‌نشینند، توده کارگران در حمایت از نمایندگان خود، دست به اعتراض و اعتصاب بزنند تا دست‌مزدها متناسب با تورم و گرانی و هزینه زیست و زندگی تعیین شود.

اکنون بنا به اقرار مسئولان شوراهای اسلامی کار رژیم، خط فقر در ایران، ۳۰۰۰۰۰۰ تومان در

ماه است که بی‌شک میزان واقعی خط فقر خیلی بیش‌تر از این ارقام است. بنابراین، اگر توده کارگران گام‌های فراتر از این بر ندارند و نمایندگان واقعی خود را برای مذاکره بر سر تعیین دستمزدهای سالانه به مسئولان امر تحمیل نکنند، به احتمال قوی همانند سال ۸۳ که دستمزدها از ۹۰ هزار تومان به ۱۰۶ هزار تومان افزایش یافت، امسال نیز چیزی بیش‌تر از ۱۵ یا ۲۰ هزار تومان افزایش نخواهد یافت. این هم سیه روزی کارگران و خانواده‌هایشان را افزایش می‌دهد.

عملکرد و سیاست‌های ضدکارگری جمهوری اسلامی، فقط به دستمزدهای کم و عدم پرداخت به موقع آن محدود نمی‌شود. این رژیم، به دلیل این که به مسائل ایمنی و ابزارهای مورد نیاز برای جلوگیری از حوادث محیط کار، بودجه‌ای اختصاص نمی‌دهد، همواره کارگران را در معرض خطر جانی قرار داده است. سالانه صدها کارگر جان خود را از دست می‌دهند و یا معلول و ناقص‌الضو می‌گردند. رییس تخصصی بهداشت حرفه‌ای و طب کار رژیم، در آبان ماه سال جاری با بیان این که بیش‌ترین حوادث در صنایع فلزی بوده است، اظهار داشت: از مجموع ۱۷ هزار و ۹۰ حادثه، ۳ هزار و ۹۳۸ مورد حوادث بین سنین ۲۵ تا ۲۹ سال رخ داده که نسبت به سال گذشته ۱۵/۹ درصد رشد داشته است... از مجموع این حوادث ۹۷ مورد منجر به فوت، ۲۵۷ مورد از کارافتادگی کلی و ۲۹۲ مورد از کارافتادگی جزئی شده که از کارافتادگی کلی رشد ۲۴/۸ درصد و از کارافتادگی جزئی رشد ۵ درصدی داشته است و این حوادث بیش‌تر در مورد مردان بوده و در روز اتفاق افتاده است.» علاوه بر این، روزنامه همشهری نیز در تاریخ ۱۲ اسفند ۸۳، طی گزارشی با عنوان «خطر در کمین کارگران کارگاه‌های غیراستاندارد»، نوشت: «... براساس این گزارش، دکتر محمداسماعیل اکبری، معاون سلامت وزارت بهداشت و درمان، در همایش حرفه‌ای و نظام سلامت کشور به جمعیت ۱۶ میلیونی کارگران در ایران اشاره کرد و گفت: ۵۰ درصد کارگران ایرانی وضعیت ارگونومی مناسبی ندارند و ۱۸ درصد ابزار کار آن‌ها نامناسب است.»

مسئله تا روزی که کارگران نتوانند مجامع عمومی خود را برقرار کنند و نمایندگان واقعی خود را با مبارزه پیگیر به کارفرمایان و رژیم تحمیل نکنند، نباید انتظار داشت که دستمزدهای معوقه پرداخت گردد و میزان دستمزدها نیز متناسب با تورم و گرانی و هزینه زندگی کارگران و خانواده آن‌ها تعیین گردد. همچنین کارگران در بطن مبارزه برای افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت، جلوگیری از اخراج‌سازی‌ها، برقراری بیمه مکفی بیکاری، بیمه حوادث کار و دیگر خدمات اجتماعی، پایه‌های تشکلهای مستقل ضدسرمایه‌داری و شورایی خود را به وجود آورند و موجودیت علنی این تشکلهای را نیز با قدرت متحد طبقاتی به کارفرمایان و رژیم تحمیل نمایند.

دوم مارس ۲۰۰۵